



برای ایران فراخوان ۱۶

انجمن پادشاهی خواهان پیشرو

padeshahi1339@hotmail.com

A.O.P.R. For Iran, Postfach 740163, 60570 Frankfurt, Germany



پهلوی!

یک نام:

یک صدا

باید در مبارزات مردم در هر شکل و سطحی که هست شرکت جوییم و آن را ارتقا ببخشیم!
پیش بسوی سازماندهی مبارزات ملی-انقلابی ملت ایران!

آزادی، مسئولیت و مرزهای آن: نگاهی به یک معادله پیچیده

مفهوم آزادی اغلب به عنوان یک حق مطلق و بی پایان در نظر گرفته می شود؛ انگار که هر کس می تواند هر کاری را که می خواهد، بدون هیچ محدودیتی انجام دهد. اما این دیدگاه ساده انگارانه، حقیقت مهمی را نادیده می گیرد: آزادی واقعی، همیشه با مسئولیت همراه است. این دو، مانند دو روی یک سکه اند. مرز آزادی شما دقیقاً از جایی شروع می شود که آزادی و حقوق دیگران به خطر می افتد. آزادی بیان؛ حق یا مسئولیت؟ هنگامی صحبت از آزادی بیان می شود، این پرسش پیش می آید که آیا می توان هر چیزی را به زبان آورد؟ پاسخ این است که خیر. اینجاست که نقش مخاطب و گوینده مشخص می شود. همانطور که سعدی می گوید، "شنونده باید عاقل باشد." این جمله به شنونده توصیه می کند که با هوشمندی به سخنان گوش دهد و هر حرفی را نپذیرد. اما این به هیچ وجه به گوینده اجازه نمی دهد که دروغ، تهمت، یا حرفی را که به جامعه آسیب می رساند، به نام آزادی بیان منتشر کند. هر سخنی که به نفرت پراکنی، خشونت یا تضعیف حقوق دیگران منجر شود، از محدوده آزادی خارج است، زیرا حقوق مخاطب نیز به اندازه حق گوینده اهمیت دارد. هر شهروندی حق دارد از اطلاعات درست و قابل اعتماد برخوردار باشد و در برابر سخنان مضر محافظت شود. آزادی بیان یک ابزار قدرتمند برای پیشرفت و آگاهی است، نه یک سلاح برای آسیب زدن به دیگران. یکی از چالشهای مهم در میان ملیگرایان ایران امروز، رابطه آن با جستار آزادی است.

آستانه تحمل یک ملیگرای واقعی در برابر آزادی باید بسیار گسترده باشد. چرا که آزادی، پیش نیاز اصلی برای رشد و شکوفایی یک ملت است. ملیگرایی که آزادیهای فردی و اجتماعی را عملاً به رسمیت نشناسد و به اشکال گوناگون آتراً سرکوب کند، در واقع به ریشه های خود ضربه می زند. یک ملت با شهروندان آگاه، منتقد و آزاد، بسیار توانمندتر از ملتی است که در ترس و سکوت به سر می برد. بر این باوریم که آزادیخواهی واقعی و ملیگرایی بالنده، در تضاد با هم نیستند. آنها در کنار هم می توانند جامعه ای امن، پویا و عادلانه بسازند که در آن هر فردی بتواند در تعیین سرنوشت خود و کشورش نقش داشته باشد. آزادی بدون مسئولیت به هرج و مرج منجر می شود و مسئولیت بدون آزادی، به اسارت.

ملت آگاه و رنجدیده ایران؛ بکوشیم تا با همدلی و همبستگی ملی و برپایی شبکه های مردمی در هر کوی و برزن، در پیوند با نیروهای پادشاهی خواه با مبارزه ای جاتانه، و برپایی یک انقلاب ملی، سرنگونی این رژیم ایران ستیز را تحقق ببخشیم!

چرا رسانه ها در ایران کنونی نخستین قربانیان هر بحرانی هستند؟

در یک جامعه پویا، رسانه ها نه تنها منعکس کننده واقعیتها هستند، بلکه به مثابه وجدان بیدار جامعه، نقش مهمی در آگاهی بخشی و جهت دهی به افکار عمومی ایفا می کنند. به همین دلیل، در شرایط بحرانی، زمانی که حکومتها خود را در معرض تهدید یا چالش می بینند، نخستین اقدام برای کنترل اوضاع، فشار بر روزنامه نگاران و رسانه ها است. این فشار، بویژه در شرایط کنونی ایران که با تنشهای فزاینده داخلی و خارجی، مانند مکانیزم ماشه و درگیریهای منطقه ای همراه است، به اوج خود رسیده است.

رژیم ایران ستیز اسلامی در مواجهه با چالشهای اخیر، از جمله فشارهای بین المللی و احتمال بازگشت تحریمهای هسته ای، و همچنین تنشهای منطقه ای و جنگ با اسرائیل، نیازمند کنترل کامل روایتها و اطلاعات است. در چنین شرایطی، هرگونه روایت مستقل و متفاوت از آنچه حکومت تلاش می کند به مردم القا کند، می تواند به عنوان تهدیدی جدی برای ثبات داخلی تلقی شود. فشار بر روزنامه نگاران داخلی، بازداشتها، و تهدید خانواده های خبرنگاران خارج از کشور، نشان دهنده همین هراس عمیق از نشت اطلاعات و شکل گیری روایتی مستقل از واقعیت است. این اقدامات امنیتی تنها به دلیل پیش گیری از انتشار اخبار نیست؛ هدف اصلی، جلوگیری از تحلیل و تفسیر مستقلی است که می تواند منجر به هوشیاری عمومی شود. حکومت می داند که آگاهی و اطلاعات، توانایی مردم را برای تصمیم گیری و اقدام افزایش می دهد و این دقیقاً همان چیزی است که حاکمیت در شرایط حساس از آن بیش از هر زمان دیگری می ترسد. اطلاعات مستقل می تواند پرسشهایی را در ذهن مردم ایجاد کند که پاسخی برای آنها وجود ندارد و از این روی حکومت را زیر ضرب ببرد.

آنچه در پس این موج جدید فشارها نهفته است، نه تنها ترس از قدرت رسانه ها، بلکه ترس از قدرت مردم است. حاکمیت با سرکوب رسانه ها، می کوشد از وقوع یک "انفجار آگاهی" پیشگیری کند. این استراتژی، بر پایه این فرض استوار است که اگر مردم از واقعیتهای پشت پرده و عمق بحرانها مطلع نباشند، در نتیجه واکنشی نشان نخواهند داد و وضعیت موجود پایدار خواهد ماند.

با این وجود، تاریخ نشان داده است که سرکوب آگاهی، تنها برای مدتی کوتاه می تواند نتیجه بخش باشد. در عصر اطلاعات، جایی که شبکه های اجتماعی و رسانه های جایگزین، فیلترینگ و سانسور را بی اثر کرده اند، تلاش برای کنترل روایتها به شکل گذشته، محکوم به شکست است. هر فشاری که بر روزنامه نگاران وارد می شود، تنها بر عزم آنها و کنجکاوی مردم برای یافتن حقیقت می افزاید.

به باور ما، فشار بر رسانه ها و روزنامه نگاران، نشان دهنده یک ضعف بنیادین است: ناتوانی حکومت در مواجهه با حقیقت و هراس از قدرت فزاینده آگاهی مردم. این اقدامات نه تنها نشان دهنده ترس از بحرانهای خارجی مانند مکانیزم ماشه است، بلکه بیش از هر چیز، ترس از یک بحران داخلی و عمیق تر را به نمایش می گذارد: بیدار شدن وجدان و آگاهی جامعه.

پیروز باد انقلاب ملی-دمکراتیک ملت ایران به رهبری شاهزاده رضا پهلوی!

برقرار باد سامانه شاهنشاهی ایران! در بازپخش این فراخوان بکوشید!

هر آنچه که در این فراخوان چاپ می شود، دیدگاههای شخصی نویسندگان و یا گردانندگان آن است و ابدا هیچ مسئولیتی متوجه شهیار میهن، شاهزاده رضا پهلوی و دیگر جریانهای سیاسی هوادار سامانه پادشاهی نیست!